

☑ زنده یاد محسن پزشکیان

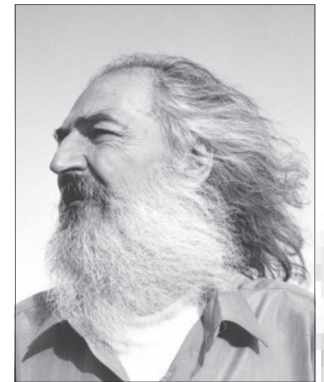
غنچه‌ایم اما به باد مهرگان خو می‌کنیم  
همچو خورشیدیم و بر زندان شب رو می‌کنیم  
نقش باغی نیست چون بر این خراب آباد غم  
مثل جغدی روی این ویرانه کوکو می‌کنیم  
ماهی مرداب اندوهیم و در گنداب ما  
غیر سنگ کینه نبود، رو به هر سو می‌کنیم  
جاودان را مار نفرین خفته اندر آستین  
ساده لوحی بین که خود با دست جادو می‌کنیم  
های ما را انعکاسی نیست غیر از هوی ما  
گرد خود در غار تنهایی هیاهو می‌کنیم



### جاده‌های بعد تو

☑ محمود بهمنی (فناد)

دوباره گم شدم در این ترانه‌های یخ زده  
نمی‌رسد به گوش او صدای پای یخ زده  
عمیق زخم می‌زند به زردی ترانه‌ها  
عبور تلخ رفتنت در این هوای یخ زده  
چه بغض‌ها که دود شد مسیر تا رسیدنت  
و من که سنگ روی سنگ و این بنای یخ زده  
دوباره خیره می‌شود به جاده‌های بعد تو  
که دوش می‌کشد تو را به ناکجای یخ زده  
به جاده شک نمی‌کنم، بزرگ می‌کند تو را  
بزرگتر ز وسعت ترانه‌های یخ زده  
صلیب کن در آسمان دوباره آفتاب را  
بزن به سیم آخر ای خدا، خدای یخ زده  
شب است و بغض آسمان شکست در گلوی من  
بخواب دختر غزل به لای لای یخ زده



### غزل روستایی

☑ حسن اجتهادی

آری دل پاک توام ای روستایی  
لبریز ادراک توام ای روستایی  
من بوده‌ام در جرگه‌ی انگور چینان  
سرسبزی تاک توام ای روستایی  
آزرده‌ام در جنگل سیمان و آهن  
دلدادهی خاک توام ای روستایی  
در معبری بی‌طاقت از خلخال و مخمل  
کوچ عطشناک توام ای روستایی  
آن باد بی‌آرام اطراف جنوبیم  
هم خوان خاشاک توام ای روستایی  
ناآشنای خیل شبگردان شهرم  
بر اسب بی‌باک توام ای روستایی  
با من مرام خویش را آینه‌تر کن  
شاید دل پاک توام ای روستایی



☑ مهتاب خواجه‌ای - قیر و کارزین

از کلمات دلگیر، مجم دلم بیشتر می‌شود، از  
تنهایی فودم یرم قلبم سنگین می‌شود، میان  
یرم و مچم‌ها گیر کرده‌ام، منتظر دست اندازی  
بر جاده زندگی‌ام تا تنم را تکانی دهد



### مکعب سیاه

☑ فاطمه (فرناز) معطری



می‌ستایمت ای قلب آسمان و زمین،  
ای شمع وجود هستی، تا ابد پروانه‌ات  
می‌مانم...  
پروانه‌ای بی‌قرار قربانی شدن، قربانی  
برای تو، و چه افتخاریست عید قربان  
را ریشه باران کند دلم...

دلم گرفته، مدتیست شرارت می‌کند. سینه را سپر هر آنچه  
بارزش و بی‌ارزش است می‌کند. دارایی وجود را پس انداز  
می‌کند. به درگاهت خود را زنجیر کرده، ملتمسانه در  
مقابل دارایی وجود و روح دو بال می‌خواهد...  
تا پر بگیرد به سوی مکعب سیاهت...

### جی روی تو

☑ زنده یاد سهیلا یونسی

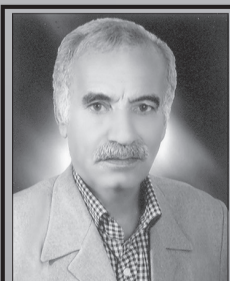
دنیا برایم گشته گورستانی انگار  
خورشید خاموش و زمین و آسمان تار  
گویی که روز آخر عمرم رسیده  
کارم شده اشک و دعا با حالتی زار  
باور ندارم روز شادی‌ها سر آمد  
ای اف بر این دنیای نازیبا و بدکار  
هر چند می‌دانم نمی‌آیی ولی باز  
سر می‌کشم در کوچه از بالای دیوار  
بی روی تو دنیا نمی‌ارزد بمانم  
خواهان آغوش اجل هستم به اصرار  
آه ای نفس بس کن نمی‌خواهم برآیی  
پای تو را می‌بوسم اینک چوبه‌ی دار  
تا جان نگیرم، بعد مردن با شمیمی  
تابوت من را مگذران از کوچه‌ی یار



### انگار با خود هم غریبم

☑ شبنم اصلاح پذیر

دورم ز خود کاین حال خوبی نیست اصلاً، ذهن من  
گم کرده صاحب خانه را در گیر و دار روح و تن  
چون نقطه‌ای در دورها، هی محو دارم می‌شوم  
من در گریز از خویش چون اموات جاندار از کفن  
انگار با خود هم غریبم، جنگ دارم با خودم  
من چند چندم با خودم؟ در وهم و حق، تردید و ظن  
بیزارم از عرفان تزریقی، نیا، بگذار تا  
یا خود بیابم خویش را، یا دور باشم از وطن  
می‌خواستم مضمون شعرم عشق باشد اولش  
هر عشق من دیدم ولی افتاد آخر از دهن  
شاید خودم لچ کرده‌ام با سرنوشت و زندگی  
شاید، ولی، اما، اگر، «شبنم» دگر حرفی نزن



### منتظر آثار و مطالب شما هستیم

لطفاً جهت چاپ آثار در این صفحه، مطالب خود را با خط  
خوانا (ترجیحاً تایپ شده)، با ذکر نام و نام خانوادگی، سن و  
تلفن تماس در یک روی کاغذ نوشته و به دفتر روزنامه  
ارسال نمایید. ضمناً مطالب ارسالی، برگشت داده نمی‌شوند.

کارشناس سرویس ادبی - هنری: محمدعلی اصلاح پذیر